

رشته‌های توپی در حوالی المپیک خیلی دور، خیلی نزدیک

۲ از ۴!



سعید آقایی

Saeed Aghaee



ورزش ایران در طول تاریخ همیشه در رشته‌های انفرادی پرچمدار بوده؛ آنچه ریشه در تفکرات، روحیه و سبک زندگی جامعه ایرانی دارد. روحیه تیم گریز ایرانی‌ها و عدم پایبندی به قواعد کار تیمی در همه حوزه‌ها زندگی ما را تحت تأثیر قرار داده و معمولاً در برنامه‌های دسته‌جمعی و تیمی کمتر توفیقی داریم و بیشتر اوقات به نتیجه مطلب نمی‌رسیم. مناسک و آداب زندگی و کار دسته‌جمعی در ایران کمتر رعایت می‌شود و از همین رو در مجموعه‌ها اجزا کمتر با هم چفت و بست می‌شوند و در نتیجه به نقطه ایده‌آل نمی‌رسند. این کلیت در تمامی ابعاد زندگی ایرانی‌ها ریشه دوانده و در همه حوزه‌ها سرک کشیده. ورزش نیز از این آسیب مصون نمانده و همین سبب شده تا در رشته‌های انفرادی موفقیت ما پررنگ‌تر و بیشتر باشد. سبب مدال آوری ورزش ایران در طول تاریخ با مدال‌های ورزش انفرادی پر شده. رشته‌هایی که در پهنه بین‌المللی همیشه می‌درخشند و کلکسیون‌های مدال‌های ریز و درشت را به سینه می‌زنند. در مقابل در رشته‌های گروهی هرگز توفیقی در حوزه جهانی ندارند و در سپهر جغرافیای ورزش از جایگاه رفیعی برخوردار نیستند و موفقیت‌های جسته و گریخته آنها تنها محدود به قاره آسیا می‌شود. البته اگر موفقیتی در کار باشد! این قانون در عرصه المپیک نیز رعایت می‌شود؛ آنجا که سبب مدال‌های ایران از بزرگترین فستیوال ورزشی دنیا تنها به مثلث سنتی کشتی، وزنه‌برداری و تکواندو ختم می‌شود و تک مدال دوومیدانی نیز به آن اضافه شده. رشته‌های تیمی مادر طول تاریخ المپیک تنها به حضور تشریفاتی بسنده کرده‌اند و تنها موفقیتشان در المپیک به یک حضور خشک و خالی منتهی شده. حضوری که البته هرگز دائمی و همیشگی نبوده و هر از گاهی کیسر می‌شود. برای المپیک ۲۰۲۰ توکیو نیز این قاعده رعایت شده. از بین ۴ رشته تیمی و توپی که در آن مدعی هستیم و ادعا داریم، تنها والیبال و بسکتبال سهمیه المپیک را کسب کرده‌اند و فوتبال و هندبال طبق ادوار همیشگی ناکام ماندند و در حسرت فستیوال ۵ حلقه‌ای باقی ماندند. مرور آنچه در مسیر المپیک برای این ۴ رشته رخ داده، می‌تواند تصویر روشن‌تری از واقعیت ورزش ایران را ارائه دهد.



1 فوتبال حسرت نیم‌قرنی

و علنی استیلی، خیلی زود به مجیدی فهماند که تیم امید جای او نیست و عطای کار را به لقایش بخشید تا استیلی سرانجام به آرزوی خود رسیده و خودش را به عنوان سرمربی معرفی کند تا بدون مزاحم همه امور را در اختیار بگیرد. اختیاری که طبق انتظار البته سرانجام به شکست منتهی شد. تیم امید در مسابقات قهرمانی زیر ۲۳ سال آسیا در سخت‌ترین گروه در کنار ازبکستان، چین و کره جنوبی قرار گرفت. امیدها با بهترین تدارکات ممکن که در میان تیم‌های امید ادوار قبلی نمونه مشابهی نداشت، راهی تایلند شدند. امیدها بازی‌ها را با یک تساوی خاکستری برابر ازبکستان آغاز کردند در نبردی که موقعیت‌های فراوانی از دست دادیم. باخت ۲ بر یک مقابل کره جنوبی در بازی دوم، امیدهای ایران را برای رسیدن به المپیک کمرنگ کرد و در بازی سوم در حالی که نیاز به یک برد با اختلاف ۲ گل داشتیم، تیم امید بسان بازی نخست موقعیت‌های گل متعددی از دست داد و با یک ضربه پنالتی بادآورده بازی را یک بر صفر برد؛ نتیجه‌ای که برای صعود کفایت نمی‌کرد و تیم امید مطابق پیش‌بینی‌ها خیلی زود و در همان مرحله گروهی از دور رقابت‌ها کنار رفت تا حسرت المپیک برای فوتبال ایران ۵۰ ساله شود.

تیم امید نمایشی بی‌رق و نومیدکننده در تایلند داشت. در حمله ناتوان و کم‌اثر بود و در دفاع از هم گسیخته و بی‌انضباط بازی کرد. تیمی که هیچ پلن خاصی نداشت و عمده برنامه‌هایش را روی توانایی‌های بازیکنان استوار کرده بود. تیمی که تعداد پاس‌های متوالی آن به زحمت به عدد ۳ می‌رسید و از تاکتیک و برنامه هیچ خبری نبود. در کنار همه این مشکلات، سرمربی تیم نیز از بازیکنان در پست‌های غیر تخصصی بازی می‌گرفت و همین بر بی‌نظمی اضافه می‌کرد. ضعف گلزنی در این تیم به شدت مشهود بود و موقعیت‌های فراوانی در هر سه بازی از دست رفت تا در نهایت ناکامی تلخی را تجربه کنیم و در حسرت المپیک بمانیم؛ حسرتی به قدمت نیم قرن.

تیم امید برای المپیک ۲۰۲۰ مسیری را طی کرد که از ابتدا مشخص بود به ناکامی ختم می‌شود. وقتی مهدی تاج با یک تصمیم مشعشع و حیرت‌انگیز تیم امید را به شکل کنتراتی به یک مربی همیشه بازنده سپرد، خیلی آسان می‌شد حدس زد که این تیم به سرنوشت محتوم نمونه‌های قبلی در ۴۰ سال اخیر دچار خواهد شد و حسرت المپیک را برای ما طولانی‌تر خواهد کرد. تاج برای تیم امید بدترین تصمیم ممکن را گرفت. رئیس فدراسیون درست همان مسیری را رفت که ۴ سال پیش رئیس سابق اتخاذ کرده بود و فرجامی جز تباهی نداشت اما او با کپی‌برداری از فرمول غلط علی کفاشیان تصمیم گرفت تیم امید را به شکل کنتراتی به شخص واگذار کند تا علاوه بر فارغ شدن از دردسرهای ریز و درشت این تیم، در ناکامی احتمالی سهیم نباشد.

استیلی در قامت یک همه‌کاره تیم امید را ملک شخصی خود می‌دانست و از همین رو با همین ذهنیت هرگز اجازه نداد مربیان منتخب امیدها استقلال داشته باشند و آب خوش از گلویشان پایین برود. بعد از ناکامی با گزینه ابتدایی، یعنی امیرحسین پیروانی، استیلی سراغ زلاتکو کرانچار کروات رفت و برای در اختیار داشتن اوضاع، رفقای خود را به عنوان دستیار به کرانچار تحمیل کرد تا همه چیز در ید قدرت او باشد. مدیر تیم امید تمامی مربیان تیم و دستیاران کرانچار را شخصاً انتخاب کرد و کرانچار در چنین فضای بسته‌ای و در محاصره رفقای استیلی البته نتیجه چندان بدی نگرفت و موفق شد تیم را به مرحله نهایی انتخابی المپیک رهنمون کند اما چون به استیلی و رفقایاش اجازه مداخله و تصمیم‌گیری در تیم را نمی‌داد، به بهانه کمبود بودجه کنار گذاشته شد.

گزینه بعدی یک انتخاب تبلیغاتی بود. مهدی تاج برای استفاده از محبوبیت فرهاد مجیدی او را به استیلی توصیه کرد و مدیر تیم امید برخلاف میل باطنی این توصیه را پذیرفت. با وجود این دخالت‌های آشکار

